



کنگره بین المللی علوم و مهندسی

آلمان - هامبورگ

اسفند ماه ۱۳۹۶

معماری؛ از تعامل در عرصه هنر تا ژرفایش هویت فرهنگی

ملیکا علی زاده حسن آبادی

دانشجوی دکتری تخصصی معماری دانشگاه آزاد تهران جنوب واحد بین الملل کیش

m.a.archi@hotmail.com

چکیده

پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند. به همین جهت در ترکیب هویت فرهنگی، مقوله پیچیده فرهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فرهنگ، تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و در شیوه زندگی و ساختارهای فضایی به تصویر کشیده می‌شود و به مرور به هویت فرهنگی تبدیل می‌گردد. معماری، نماد و مظهر فرهنگ آدمی در هر دوره تاریخی می‌باشد و با دیگر عرصه‌های هنری درگیر است به گونه‌ای که هر تغییر قابل ملاحظه‌ای در آگاهی و ادراک هنر با تحولات عمیقی در معماری همراه بوده و این به هم پیوستگی و تعامل، ارتباط انسانها را با هم و نیز محیط پیرامون شان به شکل عمیقی تحت تاثیر قرار می‌دهد. مقاله حاضر با روش تحلیل محتوا و استدلال منطقی داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده، به ابعاد و مولفه‌های موثر فرهنگ و هویت فرهنگی از جمله زبان، دیانت و مذهب، نظام اجتماعی، تاریخ و جغرافیای فرهنگی، و ارتباط بین آنها و هنر معماری می‌پردازد، چرا که معماری به عنوان یک سیستم ارتباطی، با فرهنگ در تعامل است و برای دریافت پیام موجود در آن، باید زمینه فرهنگی‌ای که معماری در مسیر آن به وجود آمده، مورد شناخت و مطالعه قرارگیرد. آنچه بدست می‌آید این که تفسیر چند بعدی هویت انسان و بویژه هویت فرهنگی او که بسیاری از عرصه‌های ذهنی و عینی زندگی را در بر می‌گیرد در عرصه تعامل هنری، از طریق معماری محقق می‌گردد و با آن، یک رابطه دوسویه دارد. به گونه‌ای که تعامل بهتر معماری با سایر هنرها می‌تواند به ابعاد هویت فرهنگی جامعه، معنای بیشتری بخشیده و موجب تعمیق آن گردد که به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: هنر، عرصه هنری، معماری، تعامل معماری، هویت، هویت فرهنگی

۱- مقدمه

هنر و معماری هر ملتی در طول تاریخ، نمود بیرونی و مادی شده اندیشه‌های مختلف، به عنوان تبلوردهنده درونمایه‌های فکری و فرهنگی مردمان آن سرزمین بوده است. به عبارتی هنر و معماری دارای حقیقت تاریخی‌ای است که در هر دوره به اقتضای الگوواره‌های غالب بر اذهان، افهام و قلوب به نحوی ظهور دارد. [3] از نظر هایدگر، هنر امری ذوقی یا سوپزکتیو^۱ و حاصل نبوغ هنرمند نیست، بلکه معنایی وجودشناختی (اونتولوژیک)^۱ دارد. هنر، مثل هر چیز دیگری چون زبان، منطق، تاریخ و تکنولوژی، آئینه‌ای است که وجود، خود را در آن آشکار می‌سازد. هنر، قابلیت استفاده از تکنیک‌های هنری نیست، بلکه نوعی مواجهه هنرمندانه با جهان و زیستنی شاعرانه و سکنانگزیذنی شورمندانه در عالم است. به قول نیچه: "اگر هنر نبود، حقیقت ما را می‌کشت". این سخن بدین معناست که اگر "حضور" شورمندانه در جهان نبود، تلاش برای نیل به حقیقت نظری و متافیزیکی (حقیقت حصولی و مفهومی) ما را تباہ می‌ساخت. [2] هویت بنا و هویت معمار نیز می‌تواند یک حقیقت تلقی شود. در این وضعیت پیوندی حقیقت‌جویانه میان بنا یا معمار و دیگران برقرار می‌شود. [16] معماری پدیده‌ای است ملموس شامل منظرها، سکونتگاه‌ها، بناها و بیان‌کننده شخصیت آنها؛ پس واقعیتی زنده است. بنابراین معماری فراتر از نیازهای معمولی به معنایی وجودی ارتباط دارد که از پدیده‌های طبیعی و انسانی و معنوی نشأت می‌گیرد و آنها را به صورت‌های فضایی ترجمه می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹: ۱). [1] و به مدد آن، جنبه‌های مختلف رشد و پویایی هنر و فرهنگ